

نهضت اصلاح دینی و تأثیر آن در انقلاب های علمی و صنعتی

gh.javad1392@gmail.com

جواد قلی پور / دانش پژوه دکتری کلام اسلامی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ع)
دریافت: ۹۸/۹/۵ پذیرش: ۹۹/۱/۲۷

چکیده

بی تردید نهضت اصلاح دینی یکی از مهم ترین نهضت‌هایی است که غرب مدرن آن را تجربه کرده است. این نهضت در ابعاد مختلفی، غرب و مسیحیت را تحت تأثیر خود قرار داده است. هدف نوشتار حاضر، تبیین نقش نهضت اصلاح دینی در رشد و بالندگی انقلاب علمی و صنعتی و به تبع آنها، تأثیر آن در سرمایه‌داری است. مسئله اصلی پژوهش این است که آیا نهضت اصلاح دینی در به وجود آمدن یا رشد و گسترش انقلاب علمی، انقلاب صنعتی و سرمایه‌داری تأثیر داشته است یا خیر؟ در این پژوهش با روش توصیفی - تحلیلی، شواهد و دلایل تأثیر نهضت اصلاح دینی را در رشد و بالندگی انقلاب علمی و صنعتی و سپس در سرمایه‌داری که این نهضت طریق آن در انقلاب صنعتی مؤثر بوده، مورد بررسی قرار داده‌ایم. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که نهضت اصلاح دینی از طریق تقدس بخشیدن به دنیا و امور دنیوی، تشویق به مطالعه طبیعت، دعوت ریاضت‌گری و ترک لذت در انقلاب علمی، صنعتی و سرمایه‌داری مؤثر بوده است.

کلیدواژه‌ها: نهضت اصلاح دینی، انقلاب علمی، انقلاب صنعتی، سرمایه‌داری، دین.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

مقدمه

یکی از مسائل مهمی که در پژوهش‌های تاریخی و اجتماعی حائز اهمیت است، شناخت تأثیر پدیده‌ها بر یکدیگر است. نهضت اصلاح دینی به عنوان یکی از جنبش‌های بزرگ در تاریخ مسیحیت و غرب، تاریخ مسیحیت و همچنین غرب را چه از راه تعیین اصولی برای نگرش، و چه از راه برداشتن موانع فکری، تغییر داده است. البته در اینجا توان پرداختن به تمام ابعاد تأثیر نهضت اصلاح دینی بر تاریخ غرب یا مسیحیت را نداریم و فقط به تأثیر آن بر انقلاب علمی و صنعتی و در ادامه به تأثیر آن بر سرمایه‌داری که از آن طریق بر انقلاب صنعتی مؤثر بوده، خواهیم پرداخت. بنابراین سؤال اصلی این است که نهضت اصلاح دینی در انقلاب علمی و صنعتی چه تأثیری داشت است و سؤال فرعی نیز که در ضمن این بحث مورد توجه قرار می‌گیرد این است که انقلاب علمی چه تأثیری در سرمایه‌داری داشته است؟

این مسئله از این رو حائز اهمیت است که رابطه دین و علم و صنعت را در جامعه روشن خواهد کرد؛ چراکه برخی معتقدند که میان علم و دین تعارض شدیدی وجود دارد، که اصولاً قابل حل نیست؛ و ممکن است چنین ادعایی در مورد رابطه دین و صنعت نیز وجود داشته باشد. از این رو، بررسی رابطه نهضت اصلاح دینی با علم و صنعت، رابطه آن دور را مشخص خواهد کرد. البته ناگفته نماند که این نهضت نماینده تام دین نیست، لکن ورود شایسته‌ای به این عرصه خواهد بود. به این مسئله در لابه‌لای آثاری که در غرب نوشته شده، پرداخته‌اند. پیتر هریسون در کتاب *کتاب مقدس، پروتستان‌تیزم و ظهور علم طبیعی* (۱۹۹۸)، به برخی از عوامل تأثیر پروتستان بر رشد علم پرداخته و *آلیستر مگ‌گراث* (۱۳۸۷) نیز در کتاب *مقدمه‌ای بر نهضت اصلاح دینی* به برخی از تأثیرات این نهضت بر تحولات جدید اشاره می‌کند. در مورد تأثیر این نهضت بر سرمایه‌داری، دو اثر مهم، یعنی *اخلاق پروتستانی و روحیه سرمایه‌داری* (وبر، ۱۳۷۱) و *دین و ظهور سرمایه‌داری* (تاوونی، ۱۳۷۷) وجود دارد.

ما در سه بخش به تأثیرات نهضت اصلاح دینی در انقلاب علمی و صنعتی و در پایان نیز تأثیر آن را بر سرمایه‌داری که از این طریق بر انقلاب صنعتی مؤثر بوده، بررسی کرده‌ایم و با توجه به شواهدی همچون تقدس امور دنیوی، دعوت به تلاش و کوشش، ریاضت‌گری و دیگر عامل در این پدیده‌ها مؤثر بوده است.

۱. مفهوم‌شناسی

۱-۱. نهضت اصلاح دینی

با نزدیک شدن به قرن شانزدهم، کلیسای کاتولیک با مشکلات و نارسایی‌هایی از قبیل ناکارآمدی و فساد، فقدان معنویت، رو به ضعف نهادن اخلاق در میان روحانیون و نیز نیاز به اصلاح عقاید، الهیات و اندیشه‌های دینی مسیحیت مواجه بود (مک‌گراث، ۱۳۸۷، ص ۵۰-۵۳). در چنین شرایطی، عده‌ای از منتقدان کلیسای کاتولیک، مانند *مارتین لوتر* (۱۴۸۳-۱۵۴۶)، *اولریش تسوینگی* (۱۴۸۴-۱۵۳۱)، *ژان کالون* (۱۵۰۹-۱۵۶۴) و... درصدد اصلاح این امور، به هدف رسیدن به دوران طلایی مسیحیت - دوره آباء، قرون ۲ تا ۶ - برآمدند که نتیجه این اقدامات چیزی جز به وجود آمدن «نهضت اصلاح دینی» به عنوان یکی از سه شاخه اصلی کلیسای مسیحیت نبود.

گرچه اصلاح‌گران در ابتدا دارای اهداف مشترکی بودند؛ ولی وجود برخی از دیدگاه‌های اختلافی، موجب پدید آمدن انشعابات در میان اصلاح‌گران شد که نهضت اصلاح دینی را به فرقه‌های متعددی تبدیل کرد که به برخی از فرقه‌های مهم اشاره می‌شود:

الف. نهضت اصلاح لوتری: این نهضت در نتیجه فعالیت اصلاح‌طلبانه لوتر، راهب جوان آلمانی و استاد کتاب مقدس در قرن شانزدهم به وجود آمد. کلیساهای لوتری تمام سنت تعلیمی کلیسا را نادرست می‌دانستند و در مقابل بر کتاب مقدس تأکید داشتند (جو ویور، ۱۳۹۳، ص ۱۷۶-۱۷۹).

ب. کلیسای اصلاح‌شده: این کلیسا توسط *اولریش تسوینگی* و *ژان کالون* به وجود آمد و هدف اولیه اصلاح این کلیسا، اخلاقیات و عبادات کلیسا براساس کتاب مقدس بود (مک‌گراث، ۱۳۸۷، ص ۶۰-۶۱).

ج. نهضت اصلاح‌گرایی بنیادستین: این فرقه در اوائل دهه ۱۵۲۰ توسط بنیانگذارانی مانند *کنراد گریبل* پا به عرصه وجود نهاد (همان، ص ۶۳).

د. انگلیکن‌ها: این نهضت در واقع نهضتی کاتولیکی - پروتستانی است (مک آفی براون، ۱۳۸۲، ص ۷۹) و به لحاظ الهیاتی تلاش می‌کنند راه میانه‌ای بین کاتولیک رومی و پروتستان بیابند (جو ویور، ۱۳۹۳، ص ۱۸۷-۱۸۸).

گروه‌هایی که به آنها اشاره شد، چهار گروه عمده نهضت اصلاح دینی می‌باشند (رسول‌زاده و باغبانی، ۱۳۹۱، ص ۳۲۶). لکن این نهضت دارای فرقه‌های دیگری است که پرداختن به آنها این نوشتار را از هدف اصلی خود بازمی‌دارد و فقط در این قسمت به ذکر نام برخی دیگر از فرقه‌ها اکتفا می‌شود: ادونیست‌ها، متدیست‌ها، مورمون، برادران، شاهدان یهوه، پنتیکاستی، کوئیکرها، آمانیت و... (براون، ۱۳۹۱، ص ۹۱).

۲. تأثیر پروتستان بر تحولات مدرن

نهضت اصلاح دینی یکی از تأثیرگذارترین جنبش‌ها در تاریخ غرب بوده است که می‌توان تأثیر آن را در ابعاد گوناگونی از جمله ابعاد اقتصادی، سیاسی، علمی، فرهنگی و مذهبی تاریخ غرب مورد بررسی قرار داد. در این قسمت به برخی از تأثیراتی که نهضت اصلاح دینی در تاریخ غرب داشته است، یعنی انقلاب علمی می‌پردازیم.

۳. تأثیر نهضت اصلاح دینی بر انقلاب علمی

۳-۱. انقلاب علمی (scientific revolution)

انقلاب علمی توسط مورخان علم، به دوره‌ای از تاریخ اروپا اطلاق می‌شود که در آن بنیادهای مفهومی، روش‌شناختی و نهادین علم شکل گرفت (هنری، ۲۰۰۲، ص ۱). در واقع این دوره از نیمه سده شانزدهم با کوپرنیک آغاز شد و به نیوتون در پایان سده هفدهم ختم شد (هلزی هال، ۱۳۶۹، ص ۱۵۵). گرچه برخی عواملی که زمینه‌ساز علم می‌شود، در قرون وسطا نیز وجود داشته است (ر.ک: قلی‌پور، ۱۳۹۵)؛ لکن مهم‌ترین شاخه‌ها و مبانی علم جدید از جمله تجربه‌گرایی، روش کمی، گسستن از روش قیاسی دوره قرون وسطا و... در این دوره توسط دانشمندانی همچون گالیله، کوپرنیک، کیپلر، تیکو براهه و در نهایت توسط نیوتون صورت می‌گیرد (استیس، ۱۳۹۰، ص ۷۴-۹۶).

لکن آنچه در اینجا حائز اهمیت است کشف رابطه نهضت اصلاح دینی و انقلاب علمی است. آیا نهضت اصلاح دینی تأثیری در انقلاب علمی، چه در پیدایش آن و یا رفع موانع برای پیدایش آن و یا گسترش آن داشته یا خیر؟

یکی از اولین اظهارنظرها در مورد رابطه مثبت علم و دین توسط آلفونز دوکنال (۱۸۰۶-۱۹۹۳) ارائه شده، که مدعی است از میان دانشمندان اروپایی، با اینکه کاتولیک‌ها به لحاظ جمعیتی بیشترند، لکن پروتستان‌ها بیشتر از کاتولیک‌ها دانشمند و متخصص در علم دارند که این حاکی از وجود رابطه میان نهضت اصلاح دینی و علم است. بعد از آن نیز دوروتی/استیمسن و رابرت مرتون (هریسون، ۲۰۱۰، ص ۴۴-۴۵) و آر. اف جون در دهه ۱۹۳۰ مدعی شدند که میان علم و پیوریتنیسم - از فرقه‌های نهضت اصلاح دینی - پیوند وجود دارد (هریسون، ۱۹۹۸، ص ۵). از این زمان نیز رابطه میان نهضت اصلاح دینی و علم جدید در عرصه علمی مطرح بوده است. به نظر می‌رسد که فارغ از اختلاف‌نظرهایی که میان

اندیشمندان درباره تأثیر یا عدم تأثیر نهضت اصلاح دینی در علم وجود دارد، شواهدی چند حاکی از آن است که نهضت اصلاح دینی در علم مؤثر بوده است که به آنها اشاره می‌شود:

۱. در تفکر اصلاحی پروتستان یکی از دیدگاه‌های کلیسای کاتولیک که مورد انکار لوتر و کالون قرار گرفت، برتری مشاغل دینی بر پیشه‌های دنیوی بود. با انکار این دیدگاه فعالیت‌های این جهانی تقدس پیدا کرد و به‌ویژه نفی این دیدگاه در بعد اقتصادی باعث به وجود آمدن سرمایه‌داری شد. همین ایده در مباحث علمی نیز جریان پیدا کرد. مطالعه علمی از دیدگاه اصلاح‌گران هم، کاری بود که ذاتاً دلکش، هم خیر این مطالعات به خلق می‌رسید و هم نزد خداوند ماجور و مقدس بود؛ زیرا هم پرده از دقایق صنع الهی برمی‌داشت و هم نمونه کار معقول و منظم بود (باربور، ۱۳۸۹، ص ۵۹-۶۰). بنابراین نهضت اصلاح دینی با تغییر دادن ذائقه افراد در مورد مشاغل دینی و صبغه الهی دادن به آنها، مطالعات تجربی را که جزء فعالیت‌های دنیوی و شاید از نظر جریان غالب مسیحیت بدون اجر معنوی بود، به‌عنوان یک فعالیت دینی مقدس مطرح کرد و موجب شد که افراد زیادی با انگیزه‌های دینی وارد این عرصه شوند و خواه و ناخواه عرصه علم و دانش را رونق بخشند و مشعل علم را فروزان‌تر کنند.

۲. برخی دیگر از اصلاح‌گران نه‌تنها علم را در تعارض با دین نمی‌دانستند، بلکه معتقد بودند که علم می‌تواند ما را در شناخت خدا کمک کند؛ زیرا خداوند خود را در عملکردهای طبیعت آشکار می‌سازد و از این‌رو می‌توان با استفاده از علم، به شناخت خدا رسید. از نگاه این اندیشمندان علم بنیانی استوار برای ایمان است (باربور، ۱۹۹۷، ص ۲۶).

نمونه بارز این دسته از اصلاح‌گران را می‌توان کالون دانست. بر خلاف آنچه عده‌ای گمان کرده‌اند، کالون سهم عمده‌ای در رشد و توسعه علوم تجربی داشت؛ او به مطالعه علوم تجربی تشویق می‌کرده است. او با تأکیدی زیاد بر وجود نظم در آفرینش، جهان طبیعت و بدن انسان را شاهد حکمت و صفات خداوند می‌دانست و معتقد بود که برای شناخت آن باید از علوم تجربی استفاده کرد. در اعتراف‌نامه بلژیک که بیانیه کالونیستی است آمده: طبیعت در برابر چشمان ما، چنان کتابی زیباست که در آن، همه مخلوقات همانند الفاظی هستند که اشیاء نامرئی مربوط به خدا را به ما نشان می‌دهند. بنابراین کالون با این اقدام خود انگیزه‌های دینی برای مطالعه علوم تجربی را به وجود آورد (مک‌گراث، ۱۳۸۷، ص ۵۱۰). روشن است که

حاکمیت کلیسا می‌توان به آنها پرداخت؛ بدون تردید افراد زیادی به سمت فعالیت در این عرصه روی خواهند آورد.

از مجموعه این عوامل می‌توان نتیجه گرفت که نهضت اصلاح دینی گرچه به لحاظ تقدم زمانی، فاصله اندکی با انقلاب علمی دارد؛ لکن تأثیرات مهمی، چه در رفع موانع و چه در تشویق و تحریک مردم به سوی مطالعه طبیعت و به تبع آن در رشد و توسعه علوم تجربی داشته است. از این رو می‌توان ادعای حداکثری تعارض علم و دین را که توسط برخی از اندیشمندان مطرح شد، به دیده تردید نگریست؛ چراکه حداقل با بررسی رابطه نهضت اصلاح دینی و علم، روشن می‌شود که دین (که در اینجا همان نهضت اصلاح دینی است) نه تنها با علم تعارض ندارد؛ بلکه به نحوی تأثیر مثبت در رشد و بالندگی آن نهاده است. البته لازم به ذکر است که نمی‌توان صرفاً با بررسی رابطه نهضت اصلاح دینی و علوم، حکم به همکاری داد؛ لکن با همین مورد، تعارض صدرد نیز رفع خواهد شد.

۴. تأثیر نهضت اصلاح دینی در انقلاب صنعتی

۴-۱. انقلاب صنعتی

جهانی که امروزه در آن زندگی می‌کنیم، جهانی است که محصولات و فرآورده‌های آن تماماً براساس صنایع و ماشین‌آلات قوی و پیشرفته‌ای تولید می‌شود که همه این صنایع و ماشین‌آلات در یک دوره‌ای خاص، با عنوان انقلاب صنعتی به سرعت رشد کردند. از این رو به اذعان برخی از مورخان، انقلاب صنعتی نقطه عطف مهمی در تاریخ جهان است (لی تی، ۲۰۰۹، ص ۱).

انقلاب صنعتی در بریتانیای کبیر آغاز شد و در اوایل قرن ۱۸ اقتصاد بریتانیا شبیه دیگر کشورها، وابسته به نظام کشاورزی بود که با صنایع دستی مهیا می‌شد و تجارت آنان نیز محلی بود. از سال ۱۷۵۰-۱۸۵۰ آنها به صنعت جدید روی آوردند. نساجی، ابریشم، معدن، صنایع تولید آهن دوران گذر را برای آنها به ارمغان آورد و انرژی‌های جدید، مانند بخار و زغال سنگ ماشین‌ها را تقویت کرد و از وابستگی به نیروی انسانی، آب، باد و حیوانات بی‌نیاز ساخت (همان، ص ۳۹).

انقلاب صنعتی عبارت است از تغییراتی که سبب می‌شود جامعه‌ای در درجه اول کشاورزی به جامعه‌ای که در مقام اول صنعتی است، تبدیل شود. این تبدیل با تغییراتی در تکنیک کشاورزی، حمل و نقل، ارتباطات، پیدایش سازمان‌های مالی نو و همچنین ظهور یک

این‌گونه از اقدامات اصلاح‌گران تأثیر زیادی در رشد و گسترش علوم طبیعی و تجربی خواهد بود.

۳. در مورد اخیر از تأثیرات نهضت اصلاح دینی بر علم، به نقش کالون در علم اشاره شد؛ لکن کالون از جهت دیگری نیز باعث رشد علوم تجربی شد و آن رفع موانع از رشد و گسترش علوم بود. بزرگ‌ترین مانع بر سر رشد علوم تجربی اخذ ظواهر کتاب مقدس بود. در برخی از موارد ظواهر کتاب مقدس با علوم در تعارض بود. کالون در دو مرحله این مشکل را بدین نحو حل کرد: اولاً، اعلام کرد که کتاب مقدس توجهی به جزئیات ساختار جهان مادی ندارد، بلکه هدف آن اعلام بشارت عیسی مسیح است. ثانیاً، او معتقد بود نمی‌توان همه مطالب کتاب را به معنای ظاهری آن گرفت (مک‌گراث، ۱۳۸۷، ص ۵۱۱). در واقع با این کار بزرگ‌ترین مانع از سر علوم جدید برداشته شد؛ زیرا تعارض داشتن علوم با کتاب مقدس هم مانع از آن بود که مؤمنان به سمت علوم بروند و هم اندیشمندان از نگاه تند و تیز مؤمنان در امان نبودند. لکن با تفکیک قلمرو علم و کتاب مقدس توسط کالون، دیگر تعارضی در میان آنها رخ نمی‌دهد و اگر هم تعارضی رخ دهد، باب تأویل کتاب مقدس را نیز باز است و می‌توان از ظاهر کتاب عبور کرد و تأویلی هماهنگ با علم ارائه داد.

۴. اصلاح‌گران به‌ویژه مارتین لوتر، با زیرسؤال بردن مرجعیت کلیسا برای فهم کتاب مقدس، مراجعه به خود کتاب مقدس را برای هر شخص لازم می‌دانستند. این عامل از دو جهت در رونق علم نقش داشت: از جهت اول، این عقیده که خداوند صاحب دو کتاب مقدس و کتاب طبیعت است، دارای سابقه طولانی در مسیحیت بود. حال اگر کتاب مقدس مستقل از کلیسا قابل فهم است و نیازی به مراجعه به کلیسا برای فهم آن وجود ندارد، چرا نباید کتاب طبیعت به این صورت مورد مطالعه قرار بگیرد. این نگاه، شرایط را بر خلق علوم مدرن مهیا می‌سازد (هریسون، ۲۰۱۰، ص ۴۲)؛ اما از جهت دیگر، تأثیر این عامل آن است که علوم طبیعی در مسیحیت به عنوان کنیز الهیات تلقی می‌شد و از این رو تحت سیطره الهیات بود، اما بعد از اصلاح‌گری و کنار گذاشتن مرجعیت کلیسا در خواندن کتاب مقدس، مطالعه طبیعت نیز استقلال خود را یافته و می‌بایست براساس اهداف و روش‌های خودش مورد مطالعه قرار گیرد؛ نه براساس الهیات و کتاب مقدس (آپلپام، ۲۰۰۵، ص ۷). بنابراین اگر علوم از تحت قیومیت الهیات خارج شده و دیگر فارغ از کنیز بودن و

تلاش و قناعت ریاضت‌گرا بوده و قصد آنها نیز جز خدمت به بشر نبوده است، نتیجه‌ای جز پیشرفت خارق‌العاده در صنعت و به‌وجود آمدن جامعه صنعتی را ندارد. تی، اس، اشتن درباره ارتباط انقلاب صنعتی و اقتصاد می‌گوید: «انقلاب صنعتی در حوزه‌های اقتصاد و تکنولوژی به وقوع پیوست و... از دیاد حجم پس‌اندازها و آمادگی به کار گرفتن آنها در صنعت، این امکان را پدید آورد که بریتانیا از ثمرات ابتکار و نبوغ خود بهره‌گیری کند» (اشتن، ۱۳۷۵، ص ۹۹). این سرمایه‌ها گرچه منحصر به فعالیت‌های اقتصادی پروتستان نبود، ولی نمی‌توان نقش روحیه سرمایه‌داری را که توسط اصلاح‌گران به‌وجود آمده بود، نادیده گرفت. بنابراین در اینجا نیز تأثیر با واسطه نهضت اصلاح دینی بر صنعت و انقلاب صنعتی دیده می‌شود.

۳. اصلاح‌گران افراد را به صبر و پشتکار در کارها و آموختن صنایع حرفه‌ها دعوت می‌کردند؛ به‌گونه‌ای که این اعمال، از نظر آنها اعمالی دینی و عبادی تلقی می‌شد. به اعتقاد مسیحیت سنتی، افرادی که برای زندگی خود رو به کار و تلاش می‌آوردند، مسیحیان درجه دو بودند؛ لکن افرادی که با دوری از دنیا خود را وقف در عبادت می‌کردند، بهترین زندگی مسیحی را برای خود برگزیده بودند. ولی در نهضت اصلاح دینی با چنین رویکردی به تلاش و فعالیت مخالفت شد و آنها با کارهای دنیایی از قبیل تولید و غیره، نه تنها مخالفتی نداشتند؛ بلکه آنها را امور دینی می‌دانستند (مک‌گراث، ۱۳۸۷، ص ۴۹۸). ریچارد باکستر، روحانی مذهب پیوریتن، در مورد استفاده درست از وقت، دوری از تن‌آسایی و عمل به وظایف می‌گوید: «از تن‌آسایی حذر کنید و دقیقاً به ایفای وظایف و حرفه‌های قانونی خود بپردازید. همواره مشغول کاری باش تا شیطان همیشه تو را مشغول بیابد. کوشش‌های راجع به وظیفه خود را با تحمل مشقت و ساعیانہ دنبال کنید. خدمت عمومی بزرگ‌ترین خدمت به خداوند است. ... خدمت عمومی بزرگ‌ترین خدمت به خداوند است. ... از عرق جبین خود نان بخورید» (باومر، ۱۳۸۵، ص ۳۰۸-۳۰۵).

براساس این توصیه‌ها، آمارها نشان می‌دهد که بسیاری از صاحبان حرف و صنایع از کلیسای پروتستان می‌باشند و فقط تعداد اندکی از آنها از کلیسای کاتولیک می‌باشند. «اکثریت رهبران تجاری، صاحبان سرمایه و نیز کارگزاران بسیار ماهر حتی بیشتر کارشناسان فنی و اقتصادی بنگاه‌های تجاری جدید، پروتستانی هستند. در مشاغل مدیریت و سطوح بالای نیروی کار در بنگاه‌های صنعتی و تجاری جدید، همچنین در میان صاحبان سرمایه، تعداد پروتستان‌ها بیشتر از پیروان سایر مذاهب است... در میان کارگران ماهر

بازار وسیع داخلی که انحصار بازارهای محلی را در هم شکند، همراه می‌باشد (کاتوزیان، ۱۳۴۶، ص ۵۸). برخی از محققان ادعا کرده‌اند که پیش از قرن ۱۸ و در قرون ۱۱ تا ۱۳ یک انقلاب صنعتی در قلب قرون وسطا به‌وجود آمده، که اروپای غربی شاهد دوره‌ای بسیار پررونق از فعالیت‌های تکنولوژی بوده است (گمپل، ۱۳۷۴ ص ۱۱). لکن از آن جهت که علوم طبیعی، که پایه و بن‌مایه صنعت‌اند، و در قرون وسطا آن‌گونه که امروزه این علوم وجود دارند، وجود نداشت؛ بنابراین به نظر نمی‌رسد که انقلاب صنعتی در قرون وسطا در حد و اندازه‌ای باشد که در کنار انقلاب صنعتی در دوره جدید قرار گیرد.

۵. دلایل تأثیر پروتستان بر انقلاب صنعتی

بی‌تردید عوامل مختلفی در شکل‌گیری انقلاب صنعتی مؤثر بوده است؛ لکن ما به بررسی رابطه نهضت اصلاح دینی و انقلاب صنعتی می‌پردازیم. برخی از محققان معتقدند که «از اغلب بررسی‌ها چنین برمی‌آید که رشد صنعتی با پیدایش گروه‌های ناراضی از کلیسای قانونی انگلستان (پروتستان) پیوند تاریخی داشته است» (اشتن، ۱۳۷۵، ص ۲۰). لکن فارغ از این‌گونه ادعاها می‌توان به شواهدی که حاکی از تأثیر این نهضت در انقلاب صنعتی است، پی برد:

۱. تأثیر در رشد علوم تجربی: بی‌تردید صنایعی که در قرن ۱۸ به وجود آمدند همگی نتیجه سال‌ها تلاش دانشمندان علوم تجربی بود که در رشته‌هایی همچون فیزیک، شیمی و دیگر علوم به دست آمده بود. اگر چنین پیشرفت‌هایی در علوم طبیعی وجود نمی‌داشت، دیگر از ماشین بخار و دیگر صنایع قدرتمند و محصولات دیگر نیز خبری نبود. از این‌رو با تأثیری که نهضت اصلاح دینی بر علوم تجربی گذاشت، تأثیر با واسطه آن بر انقلاب صنعتی نیز ثابت خواهد شد.

۲. گرچه علم و تکنولوژی عامل مهمی در انقلاب صنعتی است؛

لکن سرمایه یکی از مهم‌ترین عواملی است که موجب به‌وجود آمدن انقلاب صنعتی است (مور، ۲۰۰۰، ص ۲۹-۳۰). یکی از مهم‌ترین تأثیرات اجتماعی - اقتصادی نهضت اصلاح دینی در غرب، به‌وجود آوردن روحیه سرمایه‌داری و سودجویی است که در بخش بعدی به تفصیل به آن خواهیم پرداخت. این روحیه سبب شد که افراد در پی راه‌های گوناگونی برای سودآوری باشند. رشد و پیشرفت علوم تجربی در قرن ۱۷ و ۱۸، زمینه مساعدی را برای سرمایه‌گذاری در صنعت فراهم کرده بود. بنابراین، روانه شدن ثروت‌های زیادی که حاصل

صنایع فقط تعداد کمی از آنها کاتولیکاند» (وبر، ۱۳۷۱ ص ۴۱-۴۴).
از مجموعه این شواهد می‌توان چنین نتیجه گرفت که نهضت اصلاح دینی در رشد و بالندگی انقلاب صنعتی مؤثر بوده است؛ زیرا از یک سو افراد را به علم‌اندوزی فرامی‌خواند، که نیازهای علمی و تکنولوژیکی انقلاب صنعتی را فراهم می‌آورد؛ و از سوی دیگر چون تأکید زیادی بر تقدس امور و شغل‌های دنیایی دارد، باعث می‌شود که مؤمنان در عرصه تولید نیز از دیگران گوی سبقت را برابند و چرخ صنعت را با سرعت بیشتری بچرخانند. در نهایت، چون این نهضت بر سرمایه‌داری مؤثر بوده - که در ادامه به تفصیل بررسی خواهد شد - سرمایه‌های زیادی که سالیان متمادی در جامعه به خاطر تلاش زیاد و قناعت در مصرف به وجود آمده بود، صرف نیازهای مالی انقلاب صنعتی شد. از این رو گرچه نمی‌توان نقش دیگر عوامل را در به‌وجود آمدن انقلاب صنعتی نادیده گرفت؛ لکن از تأثیرات شگرف نهضت اصلاح دینی بر انقلاب صنعتی نیز نمی‌توان چشم پوشید.

۶. تأثیر اقتصادی نهضت اصلاح دینی

۶-۱. سرمایه‌داری

چنان‌که پیش از این وعده داده بودیم، در اینجا درصدد بررسی رابطه نهضت اصلاح دینی و سرمایه‌داری هستیم. در بحث بررسی رابطه نهضت اصلاح دینی و انقلاب صنعتی اشاره شد که یکی از مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار در انقلاب صنعتی رشد سرمایه‌داری بود و ذکر شد که نهضت اصلاح دینی با تأثیر بر سرمایه‌داری در انقلاب صنعتی نیز مؤثر بوده است. حال برای اینکه این مطلب روشن شود به بررسی رابطه این دو می‌پردازیم تا با روشن شدن تأثیر نهضت اصلاح دینی بر سرمایه‌داری، تأثیر این نهضت در انقلاب علمی نیز وضوح یابد.
در ابتدا شاید پذیرش رابطه میان نهضت اصلاح دینی و سرمایه‌داری مشکل باشد. به‌راستی چگونه ممکن است مذهبی با ریشه‌های رهبانی و آمیختگی آن با ریاضت‌گری، به سرمایه‌داری بیانجامد؟ لکن تحقیقاتی که توسط برخی از محققان از جمله ماکس وبر (ر.ک: وبر، ۱۳۷۱)، آ.ج. تاوونی (ر.ک: تاوونی، ۱۳۷۷) و اوبراین تروئلتش، چویسی، ورنر، سومبارت و دیگران (همان، ص ۱۳) صورت گرفته، بر وجود چنین رابطه‌ای اذعان دارند.

مراد از سرمایه‌داری یک نوع فعالیت اقتصادی به‌مثابه برآوردن نیازهای طبیعی نیست؛ بلکه سرمایه‌داری انباشت سرمایه

را محرک عمده زندگی اقتصادی می‌داند که با نگرش «عقلایی سنجیده» و «روش‌های محاسبه دقیق»، همه چیز را تابع انباشت ثروت می‌دانند (داب، ۱۳۷۹، ص ۱۵-۱۶).

برای آنکه تأثیرات اقتصادی این نهضت در غرب روشن شود، ابتدا باید به نگرش مسیحیت به دنیا و مسائل اقتصادی نگاهی بیندازیم:

الف. نگرش منفی به دنیا: مسیحیت رهبانی که تفکر غالب در قرون وسطا بود، دنیا و کسانی که در آن زندگی می‌کردند و مشغول به کار دنیایی بودند، به دیده تحقیر می‌نگریست و مسیحی واقعی را کسی می‌دانست که از دنیا کناره‌گیری می‌کند و در فضای امن و معنوی در دیر قدم می‌گذارد. نگرش رهبانی، ارج نهادن به دنیا را پوچی معنوی و روحانی تلقی می‌کرد که فرجام آن همه انواع انحطاط معنوی بود (مک‌گراث، ۱۳۸۷، ص ۴۹۱).

ب. وجود محدودیت در کسب ثروت: حاکمیت اخلاق بر فضای اقتصادی و تجاری قرون وسطا، سبب شد تا از دو جهت فعالیت‌های اقتصادی دارای محدودیت باشند. اولاً، فعالیت دنیایی فقط به هدف تأمین معاش در حد شأن و مقام و یا برای کمک به نیازمندان مجاز بود و بیش از آن حرص و آز گناه کبیره محسوب می‌شد. ثانیاً، کسب مال باید به روش مشروع صورت می‌گرفت و درد غیر این‌صورت، تجارت با خطر انحطاط معنوی همراه می‌شد. بنابراین گرانفروشی و دریافت سود زیاد به هنگام تجارت، عمل ناپسندی محسوب می‌گشت. مهمتر از آن رباخواری و کسب سود به وسیله ربا به شدت مورد تقبیح آنان قرار می‌گرفت (تاوونی، ۱۳۷۷، ص ۵۱-۵۹).

ج. مضموم بودن کار و تلاش: از جمله عوامل به‌وجود آمدن رهبانیت در مسیحیت، تقرب به خله دستیابی به سعادت اخروی، شریر پنداشتن جسم و نیک انگاشتن روح، آشفتنگی روحی و نومیدی از اصلاح جامعه، انحطاط اخلاقی جامعه و... می‌باشد (رسول‌زاده و باغبانی، ۱۳۹۱، ص ۳۸۱). همان عواملی که موجب پدید آمدن رهبانیت بودند باعث پست و خوار شمردن ارزش کار شدند به گفته یوسپوس، راهب مسیحی: «زندگی کامل مسیحی آن است که وقف عبادت خلوند شود و به کارهای عادی آلوده نگردد». کسانی که برای ادامه زندگی در دنیا به کار روی می‌آورند مسیحیان درجه دو هستند کار در دنیا موجب محرومیت از دعوت اصلی و اولی مسیحیت می‌شود البته آنها منکر ضرورت کار نبودند؛ ولی آن را پست می‌دانستند (مک‌گراث، ۱۳۸۷، ص ۴۹۶-۴۹۷).

لکن در نهضت اصلاح دینی اقداماتی صورت گرفت که از این فضا خارج شدند:

برخی بیانات کتاب مقدس، مانند: «وام بدهید بدون هیچ امید به سودی» (لوقا، ۳۵۶)، غیرقانونی بودن رباست. ولی کالون در نامه‌ای که در مورد رباخواری نوشته است، می‌گوید: «مطمئن هستم که رباخواری به موجب هیچ‌یک از شواهد کتاب مقدس به کلی و کاملاً محکوم نیست» (باومر، ۱۳۸۵، ص ۳۰۲). او حتی به این مقدار نیز اکتفا نکرده و غیرقانونی بودن ربا را یکی از عوامل گرفتاری می‌داند: «اگر ربا خواری به کلی محکوم شود، زنجیرهایی محکم‌تر از آنچه خود خدا می‌خواهد بر عقیده و وجدان تحمیل خواهد شد» (همان).

تأثیر فراگیر کالونیسیم با توجه به این نکته روشن می‌شود که کالونیسیم برخلاف نهضت اصلاح لوتری، شکل‌های متفاوتی در کشورهای مختلف به خود گرفت و تبدیل به جنبشی بین‌المللی شد که به جای صلح، شمشیر به همراه داشت و همواره در انقلاب بود. حال آنکه نهضت اصلاح لوتری، محافظه‌کار و نسبت به قدرتهای سیاسی خاضع بود (تاوونی، ۱۳۷۷، ص ۱۳۸). از این رو آموزه‌های کالونیسیم توانست گستردگی بیشتری نسبت به آموزه‌های نهضت اصلاح لوتری پیدا کند و در نتیجه تأثیر آنها در جامعه بیشتر شود، درحالی که نهضت اصلاح لوتری محدود به آلمان و برخی کشورهای اسکاندیناوی بود.

۴. وجود ریاضت‌گری و مبارزه با لذت‌جویی: برخی از گروه‌های پروتستان با شعار ریاضت‌گری از بسیاری از لذت‌های مادی چشم‌پوشی کردند. ریاضت‌گری دنیوی در فرقه‌های نهضت اصلاح دینی به طور نیرومندی علیه لذت‌جویی زودگذر ناشی از کسب ثروت عمل کرد و میزان مصرف، به‌ویژه کالاهای تجملی را محدود کرد. از سوی دیگر، این تأثیر روان‌شناختی را داشت که موانع سنتی در راه کسب کالاها را از میان بردارد. وقتی ثروت‌اندوزی با محدودیت در مصرف تلفیق شد؛ نتیجه آن، انباشت سرمایه از طریق ریاضت‌گری و تولید زیاد بود، که بعد ها به خاطر فروکش کردن انگیزه‌های دینی، انگیزه‌های سودگرایانه به جای آنها قرار گرفت و اقدامات مذهبی زمینه‌مناسبی برای انجام گسیختگی در کسب ثروت و مال‌اندوزی شد (ویر، ۱۳۷۱، ص ۱۴۷).

اصلاح‌گران با این اقدامات از فضای فکری و اقتصادی قرون وسطا فاصله گرفتند و به تدریج برنامه‌های اقتصادی اصلاح‌گران، آنها را به سرمایه‌داری نزدیک کرد. البته گفتنی است که گرچه نهضت اصلاح دینی در شکل‌گیری سرمایه‌داری مؤثر بود؛ لیکن هدف آنها از اقدامات و اصلاحاتی که انجام دادند، رسیدن به سرمایه‌داری نبود، بلکه سرمایه‌داری پیامد منفی و ناخواسته آنها بود؛ زیرا در مذهب پروتستان مقصود از کار و

۱. نفی رهبانیت و رو آوردن به دنیا: جریان اصلی نهضت اصلاح دینی، تمایل رهبانی به کناره‌گیری از دنیا را براساس ملاحظات الهیاتی نفی کرد. اساس بسیاری از ابعاد الهیات کالون، عدم تفکیک میان خدا و دنیاست. او شناخت خدا را بدون شناخت آفرینش امکان‌پذیر نمی‌داند. از مسیحیان انتظار می‌رود که به خاطر اطاعت از خداوند و وفاداری به عشق او، حرمت دنیا را پاس بدارند و به آن توجه نکنند و بدان متعهد باشند. از این رو چنین نیست که لازمه مسیحی بودن نفی دنیا باشد؛ زیرا نفی دنیا به معنای نفی خداست (همان، ص ۴۹۳-۴۹۴).

۲. ارج نهادن به کار و فعالیت دنیوی: اندیشه «دعوت مسیحی» در فضای رهبانی، مستلزم ترک دنیا بود؛ ولی اصلاح‌گران با جدیت تمام این دیدگاه را رد کردند. از نظر آنها یک فرد باید بعد از مسیحی شدن، ایمان خود را در حوزه کاملاً خاصی از فعالیت در این دنیا تحقق بخشد. بنابراین مسیحیان می‌توانستند خداوند را در متن دنیا عبادت کنند. شخص مسیحی به همان اندازه که به کار و تلاش می‌پردازد، مورد توجه خداوند قرار می‌گیرد. لوتر می‌گفت: می‌توان همه دنیا را آکنده از عبادت خداوند کرد؛ نه تنها کلیسا را، بلکه خانه، آشپزخانه، سرداب، کارگاه و... او حتی انجام کارهای عادی خانه را دارای ارزش دینی دانسته، معتقد بود این کارها هرچند فاقد جلوه‌ای از جلوه‌های قدسی بوده است؛ با این حال ارزشمندتر از کارهای است که راهبان انجام می‌دهند (همان). علاوه بر آنها، از دید کالون، «رستگاری» در گرو کار و تلاش دنیایی بود (همان، ص ۱۰۸).

۳. ارزش یافتن ثروت و لغو محدودیت‌های کسب آن: مهم‌ترین اقدام کالونیسیت‌ها این بود که سرمایه، اعتبار، بانکداری و تجارت بزرگ را به رسمیت شناختند. آنها سودهای حاصل از تجارت را که در قرون وسطا و از نظر لوتر «عایدی پلید» بود، همان احترامی را بخشیدند که دستمزدهای کارگران از آن برخوردار بود. از این رو دیگر فقر فضیلت خود را به فعالیت‌های اقتصادی داده بود (تاوونی، ۱۳۷۷، ص ۱۴۰-۱۴۲). این دیدگاه‌ها موجب درهم شکستن قوانین سنتی مال‌اندوزی شد و مال‌اندوزی و ثروت‌جویی تقدس پیدا کرد و «حتی (مال‌اندوزی) به منزله مشیت الهی تلقی شد» (همان، ص ۱۴۷). دیگر نیازی نبود تا فعالیت دنیایی فقط به هدف تأمین معاش در حد شأن و مقام و یا برای کمک به نیازمندان باشد؛ بلکه ثروت‌اندوزی فی‌نفسه دارای ارزش بود.

کالون، راهی را که در قرون وسطا برای رسیدن به ثروت، ممنوع و غیرمعارف بود، قانونی اعلام کرد. تلقی مسیحیان بر اثر

منابع.....

استیس، ولتر ترنس، ۱۳۹۰، *دین و نگرش نوین*، ترجمه احمد رضا جلیلی، تهران، حکمت.

اشتن، تی. اس، ۱۳۷۵، *انقلاب صنعتی*، ترجمه احمد تدین، تهران، علمی و فرهنگی.

باربور، ایان، ۱۳۸۹، *علم و دین*، ترجمه بهاءالدین خرمشاهی، چ هفتم، تهران، مرکز نشر دانشگاهی.

باومر، فرانکلین لوفان، ۱۳۸۵، *جریان‌های بزرگ در تاریخ اندیشه غربی*، ترجمه حسین بشیریه، چ سوم، تهران، مرکز بازشناسی اسلام و ایران.

براون، استیون اف، ۱۳۹۱، *آئین پروتستان*، ترجمه فریبرز مجیدی، قم، ادیان.

تاوونی، آراچ، ۱۳۷۷، *دین و ظهور سرمایه‌داری*، ترجمه احمد خزاعی، تهران، نشر مرکز.

جو ویور، مری، ۱۳۹۳، *درآمدی بر مسیحیت*، ترجمه حسن قنبری، چ دوم، قم، دانشگاه ادیان و مذاهب.

داب، موریس، ۱۳۷۹، *مطالعاتی در زاد و رشد سرمایه‌داری*، ترجمه حبیب‌الله تیموری، تهران، نشر نی.

دانستن، جی لسلی، ۱۳۸۶، *آئین پروتستان*، ترجمه عبدالرحیم سلیمانی اردستانی، چ دوم، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.

رسول‌زاده، عباس و جواد باغبانی، ۱۳۹۱، *تسناخت مسیحیت*، چ دوم، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.

قلی‌پور، جواد، ۱۳۹۵، *ریشه‌یابی مبانی علم نوین در الهیات مسیحی در سده‌های سیزدهم تا پانزدهم میلادی*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.

کاتوزیان، محمدعلی، ۱۳۴۶، «انقلاب صنعتی»، *کاوه*، ش ۱۲، ص ۶۵-۵۷.

گمپل، ژان، ۱۳۷۴، *انقلاب صنعتی قرون وسطی*، ترجمه مهدی سبحانی، تهران، نشر مرکز.

مک آفی براون، رابرت، ۱۳۸۲، *روح آئین پروتستان*، ترجمه فریبرز مجیدی، تهران، مؤسسه نگاه معاصر.

مگ‌گراث، آلیستر، ۱۳۸۷، *نهیضت اصلاح دین*، ترجمه بهروز حدادی، چ دوم، قم، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب.

وبر، ماکس، ۱۳۷۱، *اخلاق پروتستانی و روح سرمایه‌داری*، ترجمه عبدالمعبود انصاری، تهران، سمت.

هلزی هال، لوئیس ویلیام، ۱۳۶۹، *تاریخ و فلسفه علم*، ترجمه عبدالحسین آذرنگ، چ دوم، تهران، سروش.

Applebaum, Wilbur, 2005, *The Scientific Revolution and the Foundations of Modern Science*, London, Greenwood Press.

Barbour, Ian G. , 1997, *Religion and science: historical and contemporary issues*, SanFrancisco, HarperSanFrancisco.

Harrison, Peter, 1998, *The Bible, Protestantism, and the Rise of Natural Science*, Cambridge, Cambridge University Press.

_____, 2010, *Cambridge Companion to Science and Religion*, Cambridge, Cambridge University Press.

Henry, John, 2002, *The Scientific Revolution and the Origins of Modern Science*, New York, Palgrave.

Lee T, Wyatt III., 2009, *The industrial revolution*, London, Greenwood.

More, Charles, 2000, *Understanding the Industrial Revolution*, New York, Routledge.

سود هرگز منفعت شخصی صرف نیست و سرمایه‌دار همیشه مجری و مباشر نعمت‌های خداست؛ که وظیفه‌اش آن است که به سرمایه‌اش افزوده و آن را در خیر و صلاح کل جامعه به کار گیرد (دانستن، ۱۳۸۶، ص ۳۴۱). ویلیام پرکینز از طرفداران کالون می‌گوید: هدف واقعی زندگانی ما آن است که با خدمت به بشر عبادت خدا کنیم (مک‌گراث، ۱۳۸۷، ص ۴۹۹).

نتیجه‌گیری

نهیضت اصلاح دینی یکی از مهم‌ترین نهضت‌هایی است که در غرب و در میان مسیحیان به وجود آمد و تأثیرات شگرفی چه در مسیحیت و چه در تاریخ غرب نهاد. از میان تأثیراتی که این نهضت در تاریخ غرب نهاده است، ما فقط به بررسی تأثیر آن بر دو پدیده مهم در غرب، یعنی انقلاب علمی و انقلاب صنعتی، و در ادامه نیز به تأثیر آن در سرمایه‌داری که از این طریق نهضت اصلاح دینی بر انقلاب صنعتی تأثیر گذاشته بود، پرداختیم.

از مهم‌ترین عوامل تأثیر در رشد علوم تجربی و در نتیجه در انقلاب علمی این است که بزرگان این نهضت مشاغل دنیوی از جمله علم را تقدس بخشیدند و بالاتر اینکه، علم را بنیادی برای ایمان تلقی می‌کردند. برخی از آنها همچون کالون دست به تفکیک قلمرو علم و کتاب مقدس زدند و تأویل کتاب مقدس را اجازه دادند؛ و برخی دیگر همچون لوتر بر مراجعه مستقیم هر فرد مسیحی بر کتاب مقدس تأکید داشتند و چون این تفکر در میان آنها وجود داشت که خداوند دارای کتاب مقدس و کتاب طبیعت است و اکنون نیز باید مستقیماً به کتاب مقدس مراجعه کرد؛ بنابراین کتاب طبیعت نیز به صورت مستقیم و با روش‌های خودش قابل شناخت است. ضمن آنکه نمی‌توان تأثیر دیگر عوامل در انقلاب علمی را نادیده انگاشت. این عوامل نیز در رشد و بالندگی علوم طبیعی و در نتیجه انقلاب علمی مؤثر بوده‌اند.

نهیضت اصلاح دینی از طریق تأثیرش در انقلاب علمی، در رشد و بالندگی انقلاب صنعتی نیز مؤثر بوده است. همچنین از آن جهت که تأکید زیادی بر تقدس امور و شغل‌های دنیایی دارد، و به سبب تأثیر آن بر سرمایه‌داری، باعث روی آوردن مؤمنان و سرازیر شدن سرمایه به سمت صنعت شد، اما تأثیر آن بر سرمایه‌داری نیز به علت تقدس دادن به امور دنیوی و تشویق به کسب ثروت، حتی از طریق نامشروعی همچون ربا و مهمتر آن ریاضت‌گری و مبارزه با لذت‌جویی، باعث تولید و انباشت ثروت و در نتیجه سرمایه‌داری شد که از این طریق بر انقلاب صنعتی نیز مؤثر واقع شد.

بازخوانی عناصر عرفانی در طومارهای بحرالمیت

mohammadh.dalvand93@gmail.com

gelmi@ut.ac.ir

محمدحسین دالوند / کارشناس ارشد ادیان و عرفان پردیس فارابی دانشگاه تهران

قربان علمی / دانشیار گروه ادیان و عرفان دانشگاه تهران

پذیرش: ۹۹/۱/۲۷

دریافت: ۹۸/۶/۱۳

چکیده

کشف طومارهای بحرالمیت به قدری در شناخت قوم یهود و متون مقدس آن مهم و اساسی بود که فروغ نوینی را برای شناخت و ساختن یک مفهوم دیگر از کتاب مقدس ارائه می‌دهند. عرفان در طومارها به نوعی رفتار مذهبی اطلاق می‌شود که فرد با روش‌هایی که اختصاصاً برای دستیابی به قلمرو و عرش الهی همراه با جذبه طراحی شده، انجام می‌دهد. افزون بر این، پیوستگی خاصی بین رؤیاهای مکاشفه‌ای ملکوت خدا و برخی طومارها مانند سپاس، نیایش فرشتگان، جنگ و قانون مسیحایی وجود دارد. اگرچه هنوز به روشنی آشکار نیست که این سنت عرفانی از بازمانده عرفان مکاشفه‌ای یهودیت معبد دوم ریشه ستانده یا از یک رشته عرفان کاهنانه فرقه‌گرایی قمران یا هردوان به وجود آمده باشد. اما این روشن است که سنت عرفانی به‌جامانده از قمران توسط یهودیان و مسیحیان در قرون بعد، بسط و توسعه یافته است. این پژوهش می‌کوشد تا با روش توصیف و تحلیل در بازخوانی مفاهیم و عناصر عرفانی طومارها به هدف بیان نوع و زبان مفاهیم عرفانی دست یابد.

کلیدواژه‌ها: قمران، طومارهای بحرالمیت، عرفان، عروج، مکاشفه.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی